

## یادداشت

## ریاست جمهوری امپراتور گرایانه



سید محمد کاظم سجادی پور  
تحلیلگر مسائل بین الملل

یک ماه از ریاست جمهوری ترامپ و استقرار او در کاخ سفید به عنوان چهل و هفتمین رئیس جمهوری آمریکا گذشت، جامعه تحلیلگران در نقاط مختلف دنیا معمولاً ۱۰۰ روزگی ریاست جمهوری افراد مستقر در کاخ سفید، به تجزیه و تحلیل عملکرد رئیس جمهور جدید می پردازند. اما سرودهایی که دونالد ترامپ در یک ماه گذشته در آمریکا و جهان ایجاد کرده، تحلیلگران را بر آن داشته که در یک ماهگی حضور مجدد او در کاخ سفید، عملکرد او و تیم همراهش را مورد ارزیابی قرار دهند و این خود نشانه‌ای از متمایز بودن ترامپ با دیگر روسای جمهوری آمریکا است. حتی باید تأکید کرد که ترامپ دور دوم با ترامپ دور اول یعنی فاصله سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، متمایز است. به هر حال این پرسش مطرح است که این یک ماه چگونه قابل ارزیابی است و این یک ماه در مورد چگونگی روند سال‌هایی که از ریاست جمهوری او در پیش است چه نشانه‌هایی را به نمایش می‌گذارد؟ در پاسخ باید گفت: «توجه جلب کردن گرای»، «تغییرگرایی در جهت‌گیری‌های بین‌المللی» و «تحول‌گرایی در ساختار و سازه اداری داخلی» پدیده‌های قابل‌عنایتی می‌باشند. ترامپ در پی جلب توجه بوده و هست و خواهد بود. در یک ماه گذشته او به معنای دقیق کلمه، آنچنان توجهات مردم آمریکا و جهان را جلب کرده که معادلی ندارد. ترامپ با موضع‌گیری‌های غیرمتعارف و پیشنهادهای غیرطبیعی، از لزوم باز پس‌گیری کنترل کانال پاناما گرفته و تملک نوار غزه توسط آمریکا و از لزوم واگذاری گرینلند به آمریکا توسط دانمارک گرفته تا کانادا را ایالت پنجاه و یکم آمریکا انگاشتن، همه و همه در یک کلمه خلاصه می‌شود، او توانسته جلب توجه کند. جلب توجه از نظر ترامپ، در ذات خود، قدرت‌زاست. قدرت گرفتن افراد شاخص سیاسی، در گرو میزان توجهی که می‌توانند جلب کنند، قرار دارد. به عبارتی در زبان معاصر برخی از سیاستمداران و سیاست‌شناسان آمریکایی وارد شده که در خور اهمیت است و آن اینکه «توجه جلب کردن، خود، قدرت است» هرچند که اولاً هزینه‌های سیاسی این جلب توجه کردن‌ها بسیار بالاست و ثانیاً، تمایلات نهفته سیاستمدارانی چون ترامپ را روشن می‌کند، اما همین که حرف‌ها و سخنان ترامپ، توجه جلب می‌کند، برای او به خودی خود، از اصالت برخوردار است. توجه‌گرایی یکی از ویژگی‌های بارز سال‌های آینده خواهد بود. اما صرفاً این توجه‌گرایی نیست. ترامپ تغییرگراست. سیاست‌مدار در قضیه اوکراین، واقعا تغییر پیدا کرده است. شکاف‌های ناشی از تغییرات وی در سیاست خارجی، مخصوصاً در اروپا و بین‌متحدهان آمریکا در آن قاره، حائز اهمیت است. از طنزهای تاریخ دیپلماسی چندجانبه در سازمان ملل آن است که در پایان سومین سال جنگ اوکراین، گروه غرب، دو قطعنامه به شورای امنیت پیشنهاد کرده است. یکی از آنها قطعنامه اروپائی‌هاست و دیگری از آن دولت ترامپ که در متن قطع نامه پیشنهادی دولت اوارجائی به تجاوز روسیه به اوکراین نیست و آمریکا و روسیه، به طرز شگفت‌انگیزی در حال رسیدن به مواضع مشترک‌اند. برای برخی از کارشناسان امور بین‌الملل تردیدی نیست که ترجیح ترامپ با رگش به سیاست امپراتوری و هماهنگ کردن و مصالحه با دیگر امپراتوری‌هاست. برخی ذ‌هنیت او را سازش با یک امپراتور یعنی بوتین و برخی با دو امپراتوری یعنی «شی‌چین» و «پوتین روسیه» را ارزیابی می‌کنند. به هر حال تغییرگرانی در لفظ و عمل سیاست خارجی ترامپ ادامه خواهد یافت. اما آنچه بیش از هر موضوع دیگری در خور اهمیت است تحولات داخلی آمریکا و نقش ترامپ و دولت او در این تحولات است. آنقدر در یک ماه گذشته، دگرگونی اداری و سازمانی در آمریکا توسط ترامپ ایجاد شده که کار بردن واژه انقلاب درونی، اغراق نخواهد بود. از نظر نرده‌ای، ضد انقلابی توسط ترامپ علیه ارزش‌ها و نهاد‌های دموکراتیک این کشور در این ۳۰ روزه انجام گرفته که معادلی در تاریخ آمریکا ندارد. ترامپ فقط یک دولت نیست، یک نهفت و جنبش اجتماعی است که در ظرف یک ماهی که به قدرت رسیده، زلزله‌ای در ارکان نظام سنتی و جا افتاده سیاسی و اداری آمریکا انداخته که اثرات آن عمیق خواهد بود. در مورد این تحول داخلی باید گفت که اولاً مجموعه تصمیمات، سخنان و رفتار ترامپ، حرکت کردن به سمت ریاست جمهوری امپراتورگرایانه است. این بدان معنی است که به سایر نهاد‌های حاکمیتی آمریکا، مخصوصاً نهاد قانون‌گذاری و منکره‌آئینی می‌شود. دوم، آنکه اداره امور نه بر اساس قوانین، بلکه بر اساس بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های صادره از ریاست جمهوری خواهد بود. سوم آنکه وفاداری فردی به ریاست جمهوری عمده‌ترین شاخصه انتصاب به مشاغل حساس است و چهارم آنکه تا سرحد امکان، نهاد‌های نظارتی حذف و خنثی شوند. از بین بردن نهاد بازرسی در ۱۳ دستگاه مهم در این راستاست و پنجم آنکه، دولت، کوچک و مقررات‌زدانی، گسترده خواهد شد. در همین مدت کوتاه عذر هزاران کارمند نهاد‌های فدرال خواسته شد. در یک کلام، آنچه که در برنامه بنیاد هریتیج با عنوان ۲۰۲۵ در بیش از ۹۰۰ صفحه تهیه شده و ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی از آن فاصله گرفت، در این یک ماه، مو به مو اجرا شد و در آینده اجرا خواهد شد. به علاوه طرح‌های «توسعه سیاست آمریکا اول» موسوم نیز دنبال شده و خواهد شد. هر آنچه گفته شد، در یک گزاره پرواک می‌یابد که ترامپ به سمت ریاست جمهوری امپراتورگرایانه در حرکت است، اما هیچگاه تمایلات امپراتورگرایانه و رویایی امپراتور شدگی به راحتی پیش نرفته و نخواهد رفت. ترامپ راه دشواری در پیش دارد.

مرتضی افقه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## نقش دستگاه دیپلماسی از وزیر اقتصاد برای بهبود وضعیت اقتصادی مهم‌تر است

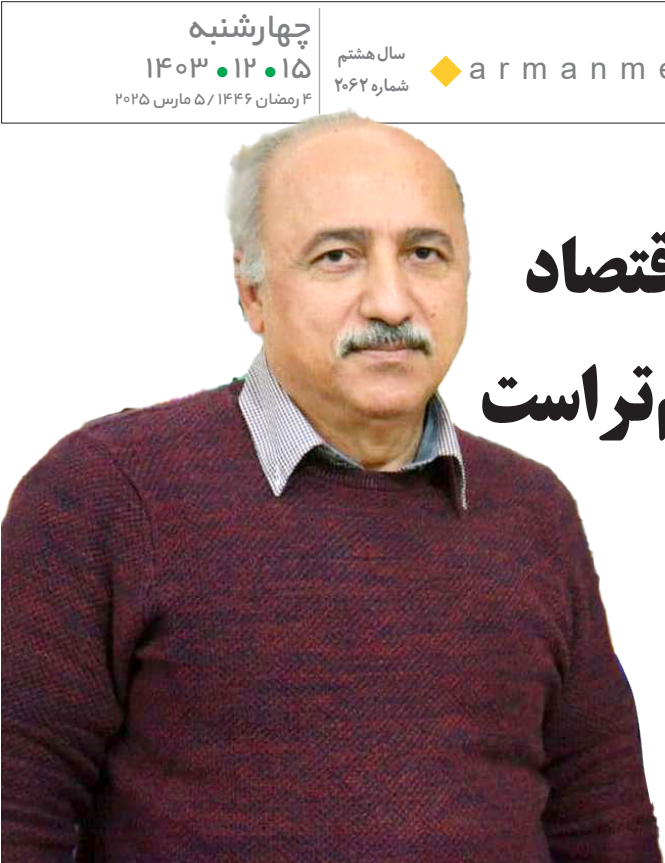
در شرایط بحرانی باید سیاست‌های متناسب با

بحران را اجرا کرد

اصولگرایان نسبت به همتی نقش بیشتری در

تاب‌سامانی اقتصادی دارند

آرمان ملی- احسان انصاری: مهم‌ترین پیامدهای استیضاح عبدالناصر همتی چه خواهد بود؟ بازار سرمایه چه واکنشی به این استیضاح خواهد داشت؟ آیا مسئولیت مجلس درباره مشکلات معیشتی مردم تنها استیضاح وزیر اقتصاد است؟ آیا تغییر یک مدیر می‌تواند به بهبود وضعیت معیشتی مردم منجر شود؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر مرتضی افقه اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. افقه در این زمینه معتقد است: «واقفیت این است که کلید مشکلات فعلی اقتصادی نیست. در چنین شرایطی وزیر اقتصاد، رئیس کل بانک مرکزی و یا رئیس سازمان برنامه و بودجه به تنهایی نمی‌توانند کاری کنند که وضعیت اقتصادی کشور بهبود پیدا کند. تحریم



armanmeli.ir

سال هشتم

شماره ۲۰۶۲

چهارشنبه

۱۳۰۱۲۰۱۴

۴ رمنشان ۱۴۴۴ / ۵ مارس ۲۰۲۵

مشکلی واقعی است و با این رویکرد نظام تصمیم‌گیری شرایط در آینده بسیار پیچیده خواهد شد. من فکر می‌کنم نقش دستگاه دیپلماسی در بهبود شاخص‌های کلان می‌تواند بیشتر از دیگر بخش‌ها باشد. نمایندگان مجلس هم بی‌اطلاع نیستند و شناخت خوبی از وضع موجود دارند و می‌دانند نقش همتی و دوستانش در ایجاد وضعیت فعلی به مراتب کمتر از اصولگرایان است. نکته دیگر اینکه از زمانی که تحریم‌ها تشدید شد متغیرهای اقتصادی عمدتاً تحت تأثیر عوامل غیر اقتصادی و عوامل بیرون از اختیار سیاست‌گذاران داخلی و دولتی قرار گرفت.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

به مراتب بحرانی‌تر و پیچیده‌تر است. برای دوران خاص باید سیاست‌ها و برنامه‌های خاص حمایتی از مردم را دنبال کرد. بنابراین اگر هدف مجلس حل مشکلات است باید به آن سمت حرکت کند و با دولت همکاری کند. در غیر این صورت سیاسی‌کاری مانند کاری که با استیضاح آقای همتی کردند تنها شرایط کشور را بدتر می‌کنند. حاکمیت و تصمیم‌گیران جامعه باید ببینند که مشکلات با فرمول‌های اقتصادی قابل حل نیستند و باید سیاست‌های جدیدی در پیش گرفت. این در حالی است که هنوز در برهمان پاشنه می‌چرخد. مشکلات فعلی، تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی و مشکلاتی که اخیراً در منطقه ایجاد شده تشدید شده است. باینکه بعد از انقلاب شعار رهایی از وابستگی به نفت عنوان شد اما این شعار محقق نشد و ما به دلیل وابستگی به نفت دچار مشکلاتی شده‌ایم. بعد از سال ۹۷ با افزایش تحریم‌ها، افول شاخص‌های اقتصادی خود را با شدت بیشتری نشان می‌دهند. در این هفت سال دولت‌های گذشته از منابع دیگری که داشتند از جمله فروش اوراق قرضه، استقراض از بانک مرکزی و فروش اموال دولتی بخشی از کسری بودجه ناشی از حذف نفت را جبران کردند. به همین دلیل نیز آقای پزشکیان در بدترین شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی سک‌ان مدیریت اجرایی کشور را بر عهده گرفته است.

آیا با توجه به شرایط پیش‌رو فشار اقتصادی به مردم بیشتر خواهد شد؟

من چشم‌انداز روشنی نمی‌بینم. وضعیتی که در بازار ارز کشور اتفاق افتاده و باعث بروز مشکلات معیشتی فراوان و نوسانات بازارها شده ناشی از تصورات غلطی است که متأسفانه بین اقتصاد خوانده‌های بازار آزاد طرفداران بسیاری دارد. این طیف و این گروه نه تنها طرفدار این ایده هستند بلکه اساساً صادر دارند که مبتنی بر ایده‌های بازار آزاد نظام تصمیم‌سازی‌های اقتصادی و راهبردی کشور را هدایت کنند. به نظر می‌رسد این افراد تصور می‌کنند شرایط ایران کاملاً عادی است و ما مانند یک کشور توسعه یافته زندگی می‌کنیم. فکر می‌کنند همه چیز در امن و امان است و نظام تصمیم‌سازی‌ها سر جای خود قرار دارد. این دوستان انگار باور ندارند که ایران در یکی از بحرانی‌ترین شرایط خود در طول سال‌های پس از انقلاب قرار دارد. در شرایط بحرانی و نوسان هر دولتی در سطح جهان جدا از تصمیمات اتخاذ شده عادی و روتین تلاش می‌کند به صورت توأمان هم منافع اقتصاد کلان کشور هم مطالبات تولیدکننده و هم مسائل و مشکلاتی که به نوعی به دهک‌های محروم مرتبط است را مدنظر قرار دهد. طرفداران این تفکر احساس می‌کنند که فاصله بین بازار ارز نیمایی و بازار آزاد باعث شده تا آمارهای فساد در اقتصاد بالا رفته و نهایتاً صادرکنندگان در توزیع و ارائه‌ار از خود قصور و تنگ نظری کنند. از سوی دیگر راتی هم به واردکنندگان از این طریق اعطا می‌شود. این صورت مساله البته درست است، ولی آقایان به جای حل مسئله توزیع رانت در کشور تلاش کرده‌اند صورت مساله را پاک کنند. یعنی به جای افزایش نظارت‌ها و حذف رانت، توزیع ارز دولتی را که کمک می‌کرد برخی اقلام ضروری ارزان‌تر به دست مردم برسد حذف کرده‌اند.

مهدی عرب صادق:

## ۵۰ درصد بدنه اجتماعی دولت از ظرفیت دست‌رفت

هستند. وی با بیان اینکه پزشکیان امروز به بن‌بست خیابان دولت و مردم رسیده، افزود: ادامه وفای با تندروها نتیجه‌ای جز سقوط دولت نزد افکار عمومی ندارد. او باید برگردد و مسیر طی شده را اصلاح کند یعنی به تلاش برای وفای با تندروها پایان دهد و به سمت وفای با مردم برگردد. وقتی آقای رئیسی رئیس‌جمهور شد اتوبوس اتوبوس مردم به وزارتخانه‌ها بردند و حتی تا آبدارچی ادارات را عوض کردند، حال‌آن اتوبوس‌ها در پارکینگ همان وزارتخانه‌ها هستند و آقای پزشکیان باید افراد وارد شده را

حالت آقای پزشکیان نصف آرای تیرماه را کسب خواهد کرد. این فعال سیاسی با بیان اینکه تندروها و اسرائیل از رفتن ظرفیت نفس راحتی کشیدند، یادآور شد: قرار آقای پزشکیان با ملت ایران نجات ایران بود، نه نجات پایداری‌ها از انزوی سیاسی. در ندارند، آقای پزشکیان صادقانه شعار وفای را مطرح کرد و با تندروها دست داد تا همه ظرفیت‌ها را برای حل مشکلات کشور به خط کند اما این یک قمار بزرگ بود و امروز مردم در حال پرداخت هزینه‌های این قمار

آرمان ملی: یک فعال سیاسی اصولگرا درباره تأثیر خروج همتی و ظرفیت از دولت چهاردهم اظهار داشت: آقای ظرفیت‌خاکریز و سنگر آخر بود و آقای پزشکیان امروز یک رئیس‌جمهور خلع سلاح شده است. او مسیر درستی را در «وفاق» دنبال نکرد چون با کسانیکه دست داد که نفاق داشتند، حالا متوجه شد با کسی که نفاق دارد نباید وفای کرد چون او از پشت خنجر می‌زند. مهدی عرب صادق گفت: با استغفای ظرفیت بیش از ۵۰ درصد بدنه اجتماعی دولت پزشکیان از دست رفت چون حداقل ۲۰ درصد آرای دهندگان به پزشکیان زمان انتخابات ریاست جمهوری به اعتبار ظرفیت پای صندوق‌ها آمدند و به پزشکیان رأی دادند. اگر همین الان انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود در خوشبینانه‌ترین

## تلنگر

ایهام در قانون دوتابعیتی‌ها

بعد از ظرفیت، کیست؟

پس از شش ماه تلاش بی‌وقفه، حواریون سعید جلیلی و پایداری‌چی‌ها، محمد جواد ظریف از معاونت راهبردی پزشکیان استعفا داد، استعفايي که تا این لحظه مورد قبول رئیس‌جمهور قرار نگرفته است، اما با توصیه محسنی‌اژه‌ای رئیس‌قوه قضائیه انجام شده است. از زمان روی کار آمدن دولت پزشکیان، تندروهایی وقفه تلاش کردند تا یکی از بال‌های دولت پزشکیان، یعنی محمد جواد ظریف، را برچینند. در تمام این مدت، استناد آنها به قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس بود، اما این قانون چه نکاتی دارد؟ آیا فقط برای محمد جواد ظریف نوشته شده بود؟

## پاسخ استعلام

این قانون انتصاب افرادی که همسر یا فرزندان‌شان تابعیت مضاعف دارند را ممنوع کرده است. تبصره اول ماده یک این قانون می‌گوید مراجع ذی صلاح باید طی یک ماه نتیجه استعلام را اعلام کنند در غیر این صورت استعلام مثبت تلقی می‌شود. بعد از گذشت چند ماه از این مهلت به نظر می‌رسید مساله حضور ظریف در دولت حل شده است اما فشار برخی گروه‌های سیاسی به خاطر تابعیت فرزندان‌ش در این مدت ادامه پیدا کرد. از سوی دیگر نکته‌ای که در این قانون وجود دارد آن است که مصادیق کشورهایی که همسر فرزندان افراد در معرض مشاغل حساس را مشخص نکرده است، یعنی برای قانون فرقی ندارد همسر فرزندان شخص، تابع آمریکا و بریتانیا باشند یا چین و روسیه یا حتی عراق، اما برای حمله‌کنندگان به معاون پزشکیان این موضوع فرقی داشته است. سال گذشته خبری منتشر شد که فرزند رئیس مجلس بابت تعلل کانادا به درخواست اقامت دائم او به دادگاه‌های کشور شکایت کرده است. اما وقتی این موضوع رسانه‌ای شد و مدارک درخواست او برای اقامت دائم کانادا منتشر شد، وزیر مهاجرت این کشور اعلام کرد که درخواست فرزند رئیس مجلس ایران رد شده است. و همین شد تا قالیباف این اعتماد به نفس را داشته باشد که بگوید ظرفیت باید ظرفیت‌ها از دولت کنار بکشد، به عبارت دیگر رئیس مجلس باید بابت رد درخواست اقامت دائم فرزندش، سیاست‌گذار دولت کانادا باشد، چرا که در غیر این صورت باید این روزها او نیز در خانه سر می‌شد.

## دستگاه‌های دیگر

۲۳ بهمن رئیس قوه قضائیه در این مورد اظهاراتی داشت که حاکی از آن است که نه فقط ظرفیت بلکه افراد دیگری نیز در دستگاه‌های مختلف شامل این قانون می‌شوند. محسنی‌اژه‌ای گفته بود: از دستگاه‌های مرجع استعلام اعلام کرده‌ایم که بگویند تاکنون چه کسانی به‌رغم منفی بودن جواب استعلام‌شان، در پست‌های حساس منصوب شده‌اند، از سوی دیگر، خطاب به این مراجع استعلام، تأکید کرده‌ایم که چه مواردی بوده که بین شما برای انتصاب فرد، اختلاف بوده است. تاکنون یکی از این مراجع، پاسخ این سؤال ما را ارسال کرده است. اصلاً پاسخ هم در نظر، بیش از یک نفری است که در افواه و اذهان عمومی مطرح است. رئیس دستگاه فضا خاطرنشان کرد: باید پاسخ‌های کامل و جامع مراجع استعلامی اصل شود تا بتوانیم جمع تعداد افراد در چه پست‌هایی منصوب شده‌اند که انتصاب آنها مغایر با قانون «نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» بوده است.

## ظرفیت را چسب

بنابر اظهارات محسنی‌اژه‌ای برای اجرای قانون افراد مختلفی باید سمت‌های خود را ترک کنند. تاکنون نام‌هایی مطرح شده است اما پر داختن به آنها نیازمند اطلاعات و دقیق‌تری است که اکنون در دسترس نیست. البته اگر هم بود توفیر چندانی نمی‌کرد مثلاً به جز محمد جواد ظریف نام محمد رضا عارف معاون اول پزشکیان هم به عنوان افرادی که فرزندان‌شان تابعیت مضاعف دارند مطرح شده. اما با وجود آنکه هر دو بعد از تشکیل دولت پزشکیان به عنوان معاونان پزشکیان مشغول به کار شدند این محمد جواد ظریف بود که در آماج حملات قرار گرفت. از دیگر نکات جالب توجه تصدی در مشاغل حساس آن است که گوگان نمایندگان خود را از قانونی که برای سایر دستگاه‌ها گذاشته‌اند مستثنی فرض کرده‌اند. در ماده چهار این قانون مصادیق مشاغل حساس ذکر شده است اما کلمه‌ای از نمایندگان مجلس به چشم نمی‌خورد.

## خودی و غیرخودی

به زمان تصویب قانون مشاغل حساس نمی‌توان بی‌اعتنا بود. این قانون در ۱۰ مهر ۱۴۰۱ در مجلس به تصویب رسید، زمانی که یک سال از روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی می‌گذشت و چهره‌ای مانند محمد جواد ظریف همچنان برای عده‌ای در خور توجه بود. حتی گمانه احتمال حضور ظرفیت در انتخابات ۱۴۰۰ نیز مطرح شده بود. همان موقع به نظر می‌رسید که این زمانی که صرف تهیه این قانون می‌شود بیشتر با هدف گرفتن دوره‌هایی است که خودی‌ها بر سرکار نیستند و گرنه طیف طراح این قانون به اینکه سرفه‌پیشان از مزایای کشور فرامی‌رود هم افتخار می‌کردند. استعفاي ظریف از معاونت پزشکیان دقیقاً در شبی رخ داد که ظفر همان روز عبدالناصر همتی از وزارت اقتصاد برکنار شد.